

Aspectual Interpretation of Achievement and Accomplishment Predicates in the Presence of Durative Phrase: A Minimalist Approach

Vol. 14, No. 6, Tome 78
pp. 373-403
January & February
2024

Masoumeh Aminifar¹ , Zahra Abolhassani Chimeh^{*2} , & Bahram Modarresi³ 

Abstract

Aspect is one of the most important structural and semantic features of the verbs. the 'durative phrase' and its effect on the aspectual interpretation of different verbs is amongst important issues in surveying lexical aspect too. In order to determine the effect of durative phrase on the aspectual interpretation of sentences which include achievement and accomplishment, the present research aims to analyze aspectual interpretation of telic predicates (achievement and accomplishment) in the presence of the durative phrase in Persian. The results of the analysis based on MacDonald's (2008) approach and within the Minimalist Program framework showed that appending durative phrase to reversible achievements and cyclic achievements leads to end-time interpretation while its presence in overthrowing irreversible achievement leads to atelic single event interpretation. The analyzing of accomplishment predicates showed that, like achievement predicates, the effect of the presence of durative phrase not only depends on the quantitative and non-quantitative feature of the object but also it depends on the nature in terms of reversibility or irreversibility.

Keywords: aspect, lexical aspect, aspectual interpretation, durative phrase, Minimalist Program

Received: 21 April 2022
Received in revised form: 29 July 2022
Accepted: 6 September 2022

¹ PhD Candidate in Linguistics, Faculty of literature and Humanities Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran;

ORCID ID: <http://orcid.org/0005-7245-6482>

² Corresponding Author, Associate Professor of Linguistics, The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran;

Email: abolhassani@samt.ac.ir; ORCID ID: <http://orcid.org/0000-0001-5834-8649>

³ Assistant Professor of Linguistics, Faculty of Literature and Foreign Language, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran;

ORCID ID: <http://orcid.org/0009-0002-7779-3582>

1. Introduction

In different languages of the world, aspect is one of the most important structural and semantic features of the verb which encodes in different ways. In domain studies of aspects, linguists distinguish between grammatical and lexical aspects. The lexical aspect which is the intrinsic and semantic feature of the verb refers to the time structure of the event but the grammatical aspect appears in the surface sentence and shows the viewpoint of the speaker toward the sentence time structure. According to lexical aspect, verbs are divided into four groups. State and activity predicate which are telic and achievement and accomplishment predicate which are atelic. “Durative phrase” and its effect on aspectual interpretation is one of the topics which are mentioned in surveying the verb aspectual interpretations. The main goal of the current research is surveying the aspectual interpretation of achievement and accomplishment which are telic predicates in the presence of a durative phrase and what is the effect of adding a durative phrase on the sentence which contains achievement and accomplishment predicates. Surveying this topic will be done according to Mac Donald’s approach (2008) which has been mentioned in the Minimalist Program General Framework.

1.2 Research Questions and Hypotheses

The main question that this research tries to answer is what is the effect of adding a durative phrase on the achievement and accomplishment predicates? The primary hypothesis is the durative phrase is compatible with both achievement and accomplishment telic predicates.

2. Literature Review

Non-Iranian researchers like Alsina (1999), Ramchand (2003), borer (2005), Thompson (2006) and MacDonald (2008) have presented different syntactic and semantic analyses of lexical aspects. Mainly Iranian researchers have

classified verbs based on their event and aspectual structure in Persian. According to reviewed research, research about aspectual interpretation of achievement and accomplishment predicates in the presence of durative phrases hasn't been surveyed in Persian yet.

3. Methodology

The methodology of this research is analytic-descriptive. For this purpose, in this research, we scrutinized the effect of durative phrases in Persian sentences that contain achievement and accomplishment predicates in the Minimalist Approach Framework.

4. Results

The result of this research shows that appending durative phrase to reversible achievements and cyclic achievements leads to end-time interpretation while its presence in overthrowing irreversible achievement leads to atelic single event interpretation. However, destructive irreversible achievements and some overthrowing irreversible achievements that have momentary nature aren't compatible with durative phrases. The analysis of accomplishment predicates shows that, like achievement predicates, the effect of the presence of a durative phrase not only depends on the quantitative and non-quantitative features of the object, but also depends on the nature in terms of reversibility or irreversibility. Against Mac Donald's overgeneralization, there are some exceptions and violation cases about the aspectual interpretation of accomplishment predicates in the Persian language. Finally, according to the impact of internal arguments and the nature of predicates, the presence of a durative phrase is effective on the aspectual interpretation of achievement and accomplishment predicates.

[DOI: 10.29252/LRR.14.6.12]

[DOR: 20.1001.1.23223081.1401.0.0.209.1]

[Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-11-21]



دوماهنامه بین‌المللی

۱۴۰۲، ش ۶ (پیاپی ۷۸)، بهمن و اسفند ۱۴۰۲، صص ۳۷۳-۴۰۳

مقاله پژوهشی

<http://dorl.net/dor/20.1001.1.23223081.1401.0.0.130.2>

خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند در حضور عبارت تداومی؛ رویکردی کمینه‌گرا

معصومه امینی‌فر^۱، زهرا ابوالحسنی چیمه^۲، بهرام مدرسی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ایران.

۳. استادیار زبان‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

چکیده

مقوله نمود یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری و معنایی فعل‌هاست. بحث عبارت تداومی و تأثیر آن بر خوانش نمودی انواع افعال نیز از جمله مباحث مهم در بررسی نمود واژگانی به‌شمار می‌رود. هدف پژوهش حاضر این است که به بررسی خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند، که هر دو از نوع نهایت‌پذیرند، در حضور عبارت تداومی در زبان فارسی بپردازد تا مشخص شود که افزودن یک عبارت تداومی به جمله حاوی محمول حصولی یا غایتمند چه تأثیری بر خوانش نمودی آن خواهد داشت. نتایج این تحلیل که براساس رویکرد مک‌دونالد (2008) و در چارچوب برنامه کمینه‌گرا انجام شده است نشان داد که افزودن عبارت تداومی به محمول‌های حصولی تکرارشدنی و چرخه‌ای به خوانش «پایان زمان» منجر می‌شود، اما در کنار محمول‌های حصولی تکرارنشده‌ی اضمحلالی خوانش نهایت‌ناپذیر تکرارشدنی به‌دست می‌دهد. بررسی تأثیر حضور عبارت تداومی بر خوانش نمودی محمول‌های غایتمند نیز نشان داد که خوانش نمودی این محمول‌ها هم مانند محمول‌های حصولی در حضور عبارت تداومی نه‌تنها به نوع مفعول (از لحاظ کمیت‌دار بودن یا نبودن) بستگی دارد، بلکه به ماهیت خود رویداد نیز بستگی دارد که آیا تکرارپذیر است یا تکرارناپذیر.

واژه‌های کلیدی: نمود، نمود واژگانی، خوانش نمودی، عبارت تداومی، برنامه کمینه‌گرا.

E-mail: abolhassani@samt.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

مقوله نمود^۱ یکی از ویژگی‌های ساختاری و معنایی فعل است که در زبان‌های مختلف جهان به شیوه‌های گوناگون رمزگذاری می‌شود. در حوزه مطالعاتی نمود، زبان‌شناسان میان نمود دستوری^۲ و نمود واژگانی^۳ تمایز قائل می‌شوند. نمود واژگانی به ساختار زمانی یک موقعیت یا رویداد اشاره دارد و به عبارت دیگر، جزء ویژگی‌های ذاتی و معنایی فعل است، اما نمود دستوری در سطح جمله ظهور پیدا می‌کند و دیدگاه گوینده را نسبت به ساختار زمانی جمله نشان می‌دهد. فعل‌ها از لحاظ نمود واژگانی به چهار دسته ایستا^۴، فعالیت^۵، حصولی^۶ و غایتمند^۷ تقسیم می‌شوند که دو دسته اول از نوع نهایت‌ناپذیر^۸ و دو دسته دوم از نوع نهایت‌پذیر^۹ به حساب می‌آیند.^{۱۰}

یکی از مباحثی که در بررسی خوانش نمودی افعال مطرح می‌شود، بحث «عبارت تداومی»^{۱۱} و تأثیر آن بر خوانش نمود انواع محمول‌هاست. هدف اصلی که در پژوهش حاضر دنبال می‌شود این است که خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند را که هر دو نهایت‌پذیر به شمار می‌آیند، در حضور عبارت تداومی بررسی کنیم و ببینیم که افزودن یک عبارت تداومی به جمله حاوی محمول حصولی یا غایتمند چه تأثیری بر خوانش نمودی آن خواهد داشت. بررسی این موضوع براساس رویکرد مک دونالد (MacDonald, 2008, pp.32-54) انجام خواهد شد که در چارچوب کلی برنامه کمینه‌گرا^{۱۲} مطرح شده است. پرسش اصلی که این پژوهش می‌کوشد به آن پاسخ دهد این است که افزودن عبارت تداومی به محمول‌های حصولی و غایتمند زبان فارسی چه تأثیری بر خوانش نمودی این محمول‌ها دارد؟ فرضیه اولیه پژوهش این است که عبارت تداومی با هر دو نوع محمول نهایت‌پذیر حصولی و غایتمند سازگار است. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود، ابتدا مروری اجمالی بر پژوهش‌های مرتبط با نمود و به‌ویژه نمود واژگانی در زبان فارسی و سایر زبان‌های ایرانی و همچنین مطالعات خارجی در زمینه جایگاه نحوی عبارت‌های تداومی و تأثیر آن‌ها بر خوانش نمودی جمله ارائه خواهد شد. سپس مبانی نظری پژوهش شامل طبقه‌بندی افعال از لحاظ نمود واژگانی، نقش عبارت تداومی در خوانش نمودی جمله و نیز دیدگاه مک‌دونالد (2006, 2008)

درباره تأثیر عبارت تداومی بر خوانش نمودی مطرح خواهد شد. در مرحله بعد، با ذکر مثال‌هایی، تأثیر حضور عبارت تداومی در جملات حاوی محمول‌های حصولی و غایتمند زبان فارسی در چارچوب رویکرد کمینه‌گرا بررسی خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

درباره مقوله نمود واژگانی در زبان فارسی چندین پژوهش در چارچوب‌های زایشی و نقشگرا انجام شده است، اما هیچ یک از آن‌ها به بررسی تأثیر حضور عبارت تداومی بر خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند نپرداخته‌اند. از دیدگاه ابوالحسنی چیمه (۱۳۹۰) افعال فارسی را از لحاظ نمود واژگانی می‌توان به دو دسته کلی ایستا و پویا تقسیم کرد. سپس هر کدام از این طبقه‌ها را می‌توان دارای زیرطبقه‌هایی دانست. افعال پویا می‌توانند لحظه‌ای یا تداومی باشند، به گونه‌ای که افعال لحظه‌ای خود قابل تفکیک به لحظه‌ای کوتاه و فرابندی - لحظه‌ای هستند و افعال تداومی نیز مشتمل بر نهایت‌پذیر و نهایت‌ناپذیر. ابوالحسنی در کار خود از چارچوب مشخصی استفاده نکرده و با توجه به مفهوم کلی افعال به طبقه‌بندی آن‌ها پرداخته که این مسئله در برخی موارد باعث خلط نمود واژگانی و دستوری با یکدیگر شده است. وی همچنین در بیان معیارهای تشخیص افعال تداومی نهایت‌ناپذیر به معیارهایی اشاره کرده است که در مورد تمام افعال نهایت‌ناپذیر عمومیّت ندارد. چراغی و کریمی‌دوستان (۱۳۹۲) در چارچوب رویکرد کرافت^{۱۲} (۲۰۱۲)، فعل‌های زبان فارسی را از لحاظ ساخت نمودی مشتمل بر چهار طبقه اصلی و ده طبقه فرعی دانسته‌اند که طبقات اصلی عبارت‌اند از: ایستا، حصولی، غایتمند و فعالیتی. پژوهش چراغی و کریمی‌دوستان از آنجایی که برای نخستین بار به طبقه‌بندی افعال در دو بُعد زمان و بُعد مراحل کیفی و تغییراتی که در یک رویداد رخ می‌دهند به لحاظ ساخت نمودی پرداخته است، پژوهشی ارزشمند است.

صفا و فلاحی (۱۳۹۵) فعل «شدن» را یکی از مهم‌ترین افعال در زبان فارسی دانسته‌اند که از لحاظ نمودی می‌تواند ارزش‌های مختلفی داشته باشد. یکی از نمودهایی که در ترکیبات فعل «شدن» یافت می‌شود نمود لحظه‌ای - تداومی است که این محققان آن را در مورد فعل «شدن» بررسی کرده‌اند. نقطه قوت پژوهش صفا و فلاحی در این است که پس از بررسی اینکه کدام گروه از ترکیبات فعل «شدن» می‌توانند بیانگر نمود لحظه‌ای - تداومی باشند، به نقش

گفته‌پردازی و اهمیت بافت جمله در تعیین ارزش نمودی افعال پرداخته و نشان داده‌اند که یک فعل با زمان دستوری واحد در بافت‌های مختلف می‌تواند ارزش‌های نمودی متفاوتی به خود بگیرد. برزگر و کریمی‌دوستان (۱۳۹۶) در بررسی نمود واژگانی در افعال مرکب مشتق از صفت در زبان فارسی، پس از بررسی دیدگاه‌های رایج در این زمینه که برخی از آن‌ها همکرد را عامل تعیین‌کننده نمود واژگانی این نوع از افعال مرکب دانسته و برخی دیگر عنصر پیش‌فعل را تعیین‌کننده نمود واژگانی در نظر گرفته‌اند، با قرار دادن افعال مرکب مشتق از صفت در معرض آزمون‌های نهایت‌پذیری نشان داده‌اند که دیدگاه مبتنی بر ساخت مدرج که در آن ویژگی‌های معنایی صفت پایه فعل لحاظ شده باشد، از مبنای نظری محکم‌تری در تبیین نمود واژگانی افعال مرکب مشتق از صفت برخوردار خواهد بود.

برزگر و همکاران (۱۴۰۰) در بررسی افعال مرکب مشتق از اسم در زبان فارسی براساس «رویکرد نحو مرحله‌ای» نخست که در آن مقوله اسم براساس ساخت رویدادی در قالب دو طبقه فرایندی و غایت‌مند طبقه‌بندی شده است به این نتیجه دست یافتند که نهایت‌پذیری در افعال مرکب مشتق از اسم رویدادی در زبان فارسی اساساً تابعی از پیش فعل آن‌هاست. افعال مشتق از اسم فرایندی دارای خوانش نهایت‌ناپذیر و افعال مشتق از اسم غایت‌مند دارای خوانش نهایت‌پذیرند. نتایج این پژوهش از یک سو حاکی از خنثی بودن فعل سبک در تعیین نهایت‌پذیری فعل مرکب است و از سوی دیگر برخلاف دیدگاهی است که در آن تمامی افعال مرکب مشتق از اسم رویدادی نهایت‌پذیر انگاشته شده‌اند. لطفی و همکاران (۱۴۰۰) با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی و طبقه‌بندی انواع نمود واژگانی فعل در گویش لکی براساس چارچوب کرافت (2012) پرداخته و در پژوهش خود نشان داده‌اند که گویش لکی دارای چهار گروه اصلی نمود واژگانی شامل ایستا، فعالیتی، غایت‌مند و حصولی و ده زیرگروه فرعی است. موضوع پژوهش لطفی، مشابه پژوهش چراغی (۱۳۹۲) در مورد افعال زبان فارسی است، اما در گویش لکی کاری نو به‌شمار می‌آید.

جایگاه نحوی عبارت‌های تداومی و تأثیر آن‌ها بر خوانش نمودی جمله همواره یکی از موضوعات بحث‌برانگیز و جالب توجه در زبان‌های مختلف جهان بوده است و پژوهشگران مختلف تحلیل‌های متفاوتی از جنبه‌های نحوی و معنایی آن‌ها ارائه داده‌اند که از آن جمله

می‌توان به آلسینا^{۱۴} (۱۹۹۹)، رامچند^{۱۵} (۲۰۰۳)، بورر^{۱۶} (۲۰۰۵)، تامپسون^{۱۷} (۲۰۰۶) و مک‌دونالد (۲۰۰۸) اشاره کرد. پژوهش درباره این موضوع در سال‌های اخیر و در زبان‌های مختلف ادامه داشته است که در ادامه، برخی از آن‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

مگردومیان^{۱۸} (۲۰۰۱) در بحث پیرامون نقش افعال سبک فارسی در ساخت رویدادی محمول‌های مرکب از آزمون‌های «قید ظرف زمان»^{۱۹} و «عبارت تداومی» برای ارزیابی این موضوع استفاده کرده است. مگردومیان با ارائه مثال‌هایی همچون موارد زیر، تأثیر عبارت تداومی را بر خوانش نمودی جملات فارسی نشان داده است.

۱) الف- دست داریوش در یک ثانیه / * برای ساعت‌ها درد گرفت.

ب- داریوش ساعت‌ها / * در یک ثانیه درد کشید.

در این دو مثال فعل سبک «گرفتن/کشیدن» تعیین‌کننده خوانش نمودی محمول به لحاظ نهایت‌پذیری است. در مثال الف محمول مرکب «درد گرفتن» نهایت‌پذیر است و با قید ظرف زمان سازگاری دارد در حالی که در مثال ب محمول مرکب «درد کشیدن» نهایت‌ناپذیر بوده و به همین دلیل با عبارت تداومی سازگار است. این در حالی است که در مثال‌های زیر عنصر پیش‌فعل «گریه» و «باز» خوانش نمودی محمول را تعیین می‌کنند.

۲) الف- هاله ساعت‌ها / * در نیم ساعت گریه کرد. (نهایت‌ناپذیر)

ب- هاله در نیم ساعت / * ساعت‌ها قفل در را باز کرد. (نهایت‌پذیر)

در مثال الف، «گریه کردن» رویدادی نهایت‌ناپذیر است که این مسئله را با پذیرش عبارت تداومی («ساعت‌ها») نشان می‌دهد، اما در مثال ب، در اثر تغییر عنصر پیش‌فعل، خوانش نمودی به نهایت‌پذیر تغییر می‌کند و در نتیجه قید ظرف زمان («در نیم ساعت») را می‌پذیرد. نهایتاً مگردومیان براساس دو آزمون پیش‌گفته، هر دو بخش ساختار فعل مرکب را در خوانش نمودی محمول‌های مرکب فارسی اثرگذار و تعیین‌کننده می‌داند.

لین^{۲۰} (۲۰۰۸) به بررسی توزیع نحوی و ویژگی‌های معنایی عبارت‌های تداومی در زبان چینی پرداخته است. وی اشاره می‌کند که خوانش عبارت‌های تداومی در چینی بسته به نوع رویداد و موقعیتی که در جمله توصیف می‌شود می‌تواند متفاوت باشد. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که عبارت‌های تداومی در زبان چینی می‌توانند به هر فرافکن پیشینه‌ای ملحق شوند و علی‌رغم خوانش‌های روساختی متفاوتی که به دست می‌دهند، درحقیقت همه آن‌ها بازتاب یک

معنای واحدند و آن طول زمان وقوع یک رویداد است. لین (2008) نشان داده است که برخلاف عبارتهای تداومی حاوی for در زبان انگلیسی که نمی‌توانند با افعال بیانگر تغییر وضعیت به کار روند (مگر اینکه جمله خوانش تکریری داشته باشد)، عبارتهای تداومی در زبان چینی به‌سادگی با چنین افعالی همراه می‌شوند بدون آنکه تغییری در معنای جمله ایجاد شود.

لیاو^{۲۱} (2014) تحلیلی از عبارتهای تداومی مرتبط با رویدادهای فرایندی در زبان چینی ماندارین و تایوانی ارائه کرده است. وی استدلال می‌کند که این عبارتهای تداومی که در جایگاه قبل از اسم قرار می‌گیرند در واقع نقش عددی - طبقه‌نما^{۲۲} دارند. تحلیل لیاو این است که این عبارتهای تداومی را نه می‌توان قید جمله به حساب آورد و نه صفتی برای اسم بعد از خود، بلکه آن‌ها را باید متمم فعل اصلی جمله به حساب آورد و در نتیجه هسته عبارت تداومی اسم بعد از خود را به‌عنوان متمم می‌پذیرد. بنابراین، طبق دیدگاه گریمشا^{۲۳} (2000)، عبارت تداومی را باید فرافکن گسترده‌ای از N اسم دانست که این بدان معناست که آن‌ها را باید برابر با عبارتهای عددی-طبقه‌نما در نظر بگیریم. لیاو با ارائه این تحلیل توانسته است تعارض بین تحلیل‌های قبلی را رفع کند و تبیینی واحد از عدم انطباق نحو و معنا در عبارتهای تداومی ارائه دهد.

شیواندا^{۲۴} (2018) به منظور بررسی ویژگی‌های نمودی انواع فعل‌های معلوم، مجهول و مجهول خنثی^{۲۵} و تحلیل تناوب‌های موضوعی و ویژگی‌های رویدادی افعال مجهول در مقابل مجهول خنثی در زبان اوشیندونگا^{۲۶} از عبارتهای تداومی به‌عنوان یک آزمون استفاده کرده است. از نظر شیواندا، عبارت تداومی نشان می‌دهد که یک رویداد در مدت زمانی مشخص استمرار داشته و به طول انجامیده است و آن را در نقطه مقابل عبارت چارچوب زمانی^{۲۷} می‌داند که نشان می‌دهد رویداد در یک بازه زمانی خاص به وقوع پیوسته است. منظور وی از وجه مجهول خنثی، وجهی است که به ستاک فعلی معنای ناگذر (لازم) می‌دهد که در نقطه مقابل معنای گذرا (متعدی) در وجه معلوم قرار می‌گیرد. وی استدلال می‌کند که محمول‌های مجهول و معلوم متعدی با نمود ناقص می‌توانند با عبارت تداومی همراه شوند و خوانش تکریری داشته باشند در حالی که اگر نمود جمله به نمود کامل تغییر کند عبارت تداومی از نظر معنایی ناهنجار خواهد بود. وی همچنین نشان می‌دهد که عبارت تداومی نمی‌تواند با وجه مجهول خنثی همراه شود.

چوک (2020) با بررسی نمود واژگانی افعال در دو زبان غیرمرتبط چینی و اسلوانی، به

این نکته اشاره می‌کند که براساس پژوهش‌های جدید، طبقه‌بندی وندلر (Vendler, 1967, p.202) که مبتنی بر دو مؤلفه فرایند و نهایت‌پذیری برای بیان تفاوت بین محمول‌های نمودی است، در مورد تمامی زبان‌ها کاربرد ندارد. برای مثال مطالعات جدید درباره ویژگی‌های نمود واژگانی در زبان چینی نشان می‌دهد که با توجه به ویژگی افعال و به‌ویژه افعال حصولی و غایتمند در این زبان، نیازمند طبقه‌بندی جدیدی هستیم. نتایج کلی پژوهش چوک حاکی از آن است که نمی‌توان یک طبقه‌بندی نمودی واحد برای افعال تمامی زبان‌ها، حتی برای زبان‌هایی مانند انگلیسی و اسلوانی که در یک رده زبانی هستند، ارائه داد.

با توجه به پژوهش‌های مرور شده می‌توان دریافت که خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند در حضور عبارت تداومی تاکنون در زبان فارسی مورد بررسی قرار نگرفته است. مطالعات پژوهشگران ایرانی در حوزه نمود واژگانی عمدتاً بر تقسیم‌بندی افعال فارسی از لحاظ نمود واژگانی یا بررسی ساختار نمودی نوع خاصی از افعال (مانند فعل «شدن»، افعال مرکب دارای جزء اسمی یا صفتی) معطوف بوده است. تنها پژوهشی که در آن بحث عبارت تداومی و تأثیر آن بر خوانش نمودی افعال فارسی مطرح شده است پژوهش مگردومیان (2001) است که درباره نحوه تعیین خوانش نمودی در افعال مرکب فارسی مباحثی را مطرح کرده است. بنابراین، پژوهش حاضر را می‌توان نخستین تلاش جدی در راستای بررسی تأثیر عبارت تداومی بر خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند زبان فارسی دانست.

۳. چارچوب نظری

بنا به تعریف کامری^{۲۸} (1976, p.3)، نمود عبارت است از «شیوه‌های متفاوت نگرش به ساختار زمانی درونی یک موقعیت». کیس^{۲۹} (2008, p.3) نمود و ساخت رویدادی را مفاهیمی هم‌پوشان می‌داند که هر دوی آن‌ها به سازمان‌دهی زمانی رویدادها و موقعیت‌ها اشاره دارند. نمود را غالباً بر دو نوع می‌دانند: نمود دستوری و نمود واژگانی. تفاوت میان این دو را می‌توان براساس تفاوتی که اسمیت^{۳۰} (1991) بین نمود موقعیت^{۳۱} و نمود دیدگاه^{۳۲} قائل می‌شود، توضیح داد. براساس کرافت (2012, p.35) نمود واژگانی به نمود درونی^{۳۳} یک موقعیت یا رویداد گفته می‌شود اما نمود دستوری که همان نمود دیدگاه است، به دیدگاه گوینده نسبت به یک رویداد یا نسبت به بخشی از آن رویداد اشاره دارد (گلفام، ۱۳۸۵، ص.۱۷). مک‌دونالد (2006, p.2) در

بیان تفاوت این دو نوع نمود، به این نکته اشاره می‌کند که نمود دستوری دارای ظهور ساخت‌واژی در سطح جمله است و تحت تأثیر موضوعات درونی جمله نیست، اما نمود واژگانی جزء ویژگی ذاتی و معنایی فعل است و تحت تأثیر موضوعات درونی جمله است. یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین طبقه‌بندی‌های افعال از لحاظ نمود واژگانی، طبقه‌بندی وندلر (1967) است که افعال را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱. افعال ایستا (وضعیتی): این نوع فعل‌ها بیانگر یک وضعیت خاص هستند، مانند «دانستن» و «دوست داشتن».

۲. افعال فعالیتی (کنشی): بر موقعیت‌های پویا دلالت دارند و بیانگر فرایندهایی هستند که در طول زمان دچار تغییر می‌شوند. یعنی، استمرار می‌یابند و لزوماً نقطه پایانی ندارند. مانند «دویدن».

۳. افعال حصولی: افعالی هستند که در یک لحظه از زمان اتفاق می‌افتند، به‌صورت آنی هستند و به محض شروع شدن، پایان می‌یابند و به‌طور کلی استمرار نمی‌پذیرند. مانند «رسیدن».

۴. افعال غایتمند (تحقیقی): افعالی هستند که یک نقطه نهایی طبیعی دارند و بیانگر فرایندهایی پویا هستند، مانند «ساختن».

پس از وندلر (1967)، اسمیت (1997, p.20) طبقه‌ای دیگر به این دسته‌بندی افزود که فعل‌های منقطع^{۳۴} خوانده می‌شوند، مانند «عطسه کردن» و «چشمک زدن».

۱-۳. محمول‌های حصولی و غایتمند

از نظر تراویس^{۳۵} (2010)، محمول‌های ایستایی و حصولی تداومی نیستند، اما در مقابل، محمول‌های فعالیتی و غایتمند تداومی‌اند. وی به پیروی از ورکویل^{۳۶} (1989, p.44) این تفاوت را به کمک مشخصه [± فرایند]^{۳۷} نشان می‌دهد؛ یعنی محمول‌های ایستایی و حصولی را دارای مشخصه [- فرایند] و محمول‌های فعالیتی و غایتمند را دارای مشخصه [+ فرایند] در نظر می‌گیرد. تراویس (2010, p.107) همچنین نهایت‌پذیر بودن محمول‌های غایتمند و حصولی و نهایت‌ناپذیر بودن محمول‌های ایستایی و فعالیتی را توسط مشخصه [± معین]^{۳۸} نشان می‌دهد؛

بدین ترتیب، محمول‌های غایتمند و حصولی [+معین] و محمول‌های ایستایی و فعالیت [-معین] هستند. تراویس (2010, p.107) معتقد است که وجود مشخصه [-فرایند] به این معناست که رویداد بیان شده توسط محمول در یک لحظه یا در هر لحظه از زمان اتفاق می‌افتد؛ اما مشخصه [+فرایند] به این معناست که رویداد در یک بازه زمانی بین t1 و t2 اتفاق می‌افتد. بنابراین، [-فرایند] بیانگر لحظه زمانی و [+فرایند] بیانگر دوره زمانی (یا طول زمان) است.

برای ارزیابی این موضوع که هر محمول به کدام یک از طبقه‌های چهارگانه نمودی (ایستایی، فعالیت، حصولی، غایتمند) تعلق دارد، آزمون‌هایی پیشنهاد شده است. براساس تراویس (2010, p.108) یکی از آزمون‌های مهم که می‌تواند تمایز بین محمول‌های [+معین] و [-معین] را نشان دهد، استفاده از قیده‌های زمانی «در مدت زمان x»^{۳۹} و «برای مدت زمان x»^{۴۰} است. اگر این آزمون را بر انواع افعال زبان فارسی اعمال کنیم به مثال‌هایی از قبیل موارد زیر می‌رسیم:

۳ الف- مریم سه دقیقه‌ای/در عرض سه دقیقه به نامه نوشت. (غایتمند)

ب- مریم سه دقیقه/به مدت سه دقیقه دوید. (فعالیتی)

ج- مریم سه دقیقه‌ای/در عرض سه دقیقه کلید را پیدا کرد. (حصولی)

د- مریم سه دقیقه/به مدت سه دقیقه بی‌حال بود. (ایستایی)

یکی از آزمون‌هایی که برای تمایزگذاری بین محمول‌های [-فرایند] و [+فرایند] به کار

می‌رود، آزمون زمان استمراری است:

۴ الف- مریم در حال نامه نوشتن بود. (غایتمند)

ب- مریم در حال دویدن بود. (کنشی)

ج- مریم در حال پیدا کردن کلید بود. (حصولی)

د- *مریم در حال بی‌حال بودن بود. (ایستایی)

این آزمون در زبان انگلیسی کارآمد است، اما در زبان فارسی خیر؛ زیرا همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، محمول‌های حصولی، مانند مثال ۴-ج بالا، نیز می‌توانند در ساخت گذشته استمراری به کار روند.

۲-۳. عبارت تداومی

برای تمایز بین رویدادهای نهایت‌پذیر و نهایت‌ناپذیر نیز از آزمون‌هایی استفاده می‌شود که یکی

از مهم‌ترین آن‌ها آزمون «عبارت تداومی» و «قید ظرف زمان» است. منظور از عبارت تداومی عبارتی است که بیانگر استمرار زمان باشد که در زبان انگلیسی به صورت [قید زمان + for] خواهد بود، مانند for an hour. منظور از قید ظرف زمان عبارتی است که یک بازه زمانی خاص را مشخص می‌کند و در زبان انگلیسی به صورت [قید زمان + in] بیان می‌شود. به مثال‌های زیر از زبان انگلیسی توجه کنید (MacDonald, 2008, p. 33).

- 5) a. The kid ate **an apple**. In ten minutes /#for ten minutes.
 b. The kid drank **soda**. #In ten minutes / for ten minutes.

مشاهده می‌کنیم که عبارت تداومی for ten minutes با جمله (5a) که دارای موضوع درونی دارای کمیت مشخص (یک سیب) است هماهنگی ندارد، در حالی که قید ظرف زمان In ten minutes با این جمله سازگاری دارد. از طرف دیگر، در حالی که عبارت تداومی for ten minutes با جمله (5b) که دارای موضوع درونی فاقد کمیت مشخص (انباشتی)^{۴۱} است سازگاری دارد، قید ظرف زمان In ten minutes با این جمله سازگاری ندارد. این حقایق این نتیجه استاندارد را که عبارت تداومی فقط با محمول‌های نهایت‌ناپذیر هماهنگی دارد و با محمول‌های نهایت‌پذیر هماهنگی ندارد، تأیید می‌کند. اما به اعتقاد آلسینا (1999, p.83) عبارت تداومی به لحاظ نحوی با انواع محمول‌ها سازگاری دارد و فقط بر حسب اینکه محمول نمودی نهایت‌پذیر یا نهایت‌ناپذیر باشد دارای خوانش‌های معنایی نمودی مجزایی است. وقتی عبارت تداومی با محمول‌های نهایت‌ناپذیر همراه شود، رویداد بدون وقفه در طول مدت زمان تعیین‌شده توسط عبارت تداومی ادامه می‌یابد و خوانش می‌شود. اما وقتی که با محمول‌های نهایت‌پذیر همراه شود، رویداد به گونه‌ای مداوم در طول مدت زمان تعیین‌شده توسط عبارت تداومی تکرار می‌شود. مک‌دونالد (2006, p.26) دو مثال زیر را دلیلی بر اثبات ادعای آلسینا (1999, p.83) می‌داند.

- 6) a. The child pushed a ball into the closet for ten minutes.
 b. The captain spotted a plane for an hour.

در مثال‌های بالا، محمول‌ها به ترتیب محمول غایتمند حرف اضافه‌ای^{۴۲} (محمول‌های فعالیتی در کنار موضوع دارای کمیت و حرف اضافه‌ای که هدف کنش را نشان دهد به محمول غایتمند حرف اضافه‌ای تبدیل می‌شوند) و محمول حصولی. شناختی^{۴۳} هستند که محمول‌هایی نهایت‌پذیر

محسوب می‌شوند و همراه عبارت تداومی، جملات دستوری با خوانش معنایی تکریری از نوع توالی رویدادهای یکسان^{۴۴} به دست داده‌اند. طبق نظر مک دونالد (2006, p.26)، جمله (6a) بدین صورت خوانش می‌شود که بچه‌ای یک توپ را در مدت زمان تعیین شده توسط عبارت تداومی (یعنی ده دقیقه) بارها و بارها به درون کمد هل می‌دهد. همچنین در (6b) کاپیتان می‌تواند در حال نگاه کردن به آسمان باشد وقتی که یک هواپیما در طول مدت یک ساعت مرتباً وارد دایره دید او می‌شود و از آن خارج می‌شود. در این نوع خوانش معنایی که خوانشی نهایت‌پذیر است، در زیررویدادهای تکراری تنها یک مفعول واحد (هواپیما) حضور دارد. به عبارت دیگر، زیررویدادها مکرراً روی یک مفعول واحد انجام می‌شوند.

مک‌دونالد (2008, p.35) با ارائه مثال‌های زیر به ذکر این نکته نیز پرداخته است که در مواردی عبارت تداومی با محمول‌های نهایت‌پذیر سازگاری ندارد. از دیدگاه وی این عدم سازگاری به نهایت‌پذیری محمول‌ها ارتباطی ندارد، بلکه به ماهیت عمل فعلی بستگی دارد که بر روی مفعول انجام می‌شود و نمی‌تواند دارای خوانش تکریری باشد.

- 7) a. The kid ate an apple #for ten minutes.
b. The farmer drank a jog of beer #for ten minutes.

از نظر مک‌دونالد (2008, p.33) عبارت تداومی با محمول‌های نهایت‌پذیر (حصولی و غایتمند) فقط دارای خوانش رویدادی چندگانه^{۴۵} برحسب نوع موضوع درونی است. بدین صورت که اگر موضوع درونی از نوع اسم مفرد دارای کمیت باشد، دارای خوانش توالی رویدادهای یکسان است و اگر موضوع درونی اسم جمع عریان^{۴۶} باشد، دارای خوانش توالی رویدادهای مشابه^{۴۷} است. اما با محمول‌های نهایت‌ناپذیر (ایستایی و فعالیتی) دارای خوانش تکروردادی^{۴۸} است که در مثال‌های زیر از مک‌دونالد (2008, p.33) نشان داده شده است.

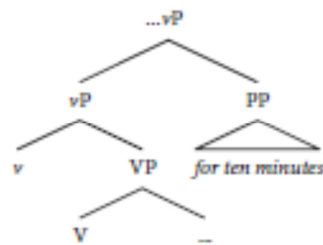
- 8) a. The mechanic towed the car for an hour.
b. John screamed for an hour.
c. The lawyer owned a Lexus for an hour.

در مثال‌های بالا محمول‌ها به ترتیب از نوع فعالیتی متعدی^{۴۹}، فعالیتی لازم^{۵۰} و ایستا هستند و همگی با عبارت تداومی دارای خوانش تکروردادی هستند. خوانش رویداد منفرد یا تکروردادی به این معناست که به لحاظ زبان‌شناسی هیچ نقطه پایانی رمزگذاری نشده است و رویداد بدون وقفه در طول مدت زمان تعیین شده بدون پایان ادامه می‌یابد.

در نقطه مقابل خوانش تکروردادی، که نهایت‌ناپذیر است، خوانش رویدادهای چندگانه قرار

دارد که نهایت‌پذیر است. از نظر مک‌دونالد (2008, p.45)، خوانش رویدادهای چندگانه می‌تواند به دو صورت باشد: توالی رویدادهای یکسان و توالی رویدادهای مشابه. مک‌دونالد (2008, p.46) خوانش توالی رویدادهای مشابه را خوانشی معنایی می‌داند که نهایت‌پذیر و تکریری است؛ به این صورت که تعدادی زیررویداد مکرر داریم که هر یک از آنها روی یک مفعول متفاوت عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، هر بار یک مفعول مجزا عمل بیان‌شده به وسیله فعل را در زیررویدادهای تکریری تجربه می‌کند و توالی‌ای از زیررویدادهای مشابه وجود دارد. وی (2008, p.41) خوانش توالی رویدادهای یکسان را خوانشی نهایت‌پذیر و تکریری می‌داند که در زیررویدادهای تکراری تنها یک مفعول واحد حضور دارد. به عبارت دیگر، زیررویدادها مکرراً روی یک مفعول واحد انجام می‌شوند.

از دیدگاه مک‌دونالد (2008) و آلسینا (1999) عبارت تداومی به لحاظ نحوی با انواع محمول‌های نمودی سازگاری و مطابقت دارد و فقط برحسب اینکه محمول نهایت‌پذیر یا نهایت‌ناپذیر باشد دارای خوانش معنایی متفاوت خواهد بود. بدین صورت که عبارت تداومی در حضور موضوع درونی (مفعول) دارای کمیت خوانش نهایت‌پذیر تکریری دارد و در حضور موضوع درونی فاقد کمیت دارای خوانش تکرریدادی است. مک‌دونالد (2008, p.36) بر این باور است که عبارت تداومی به گروه فعلی کوچک می‌پیوندد و کل رویداد بیان‌شده توسط محمول را توصیف می‌کند، مانند گروه حرف اضافه *for ten minutes* در شکل ۱ زیر.



شکل ۱. جایگاه عبارت تداومی نمودار درختی

Figure 1
The Position of Durative Phrase in Tree Diagram

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش از مقاله به تحلیل خوانش نمودیِ محمول‌های حصولی و غایتمند در حضور عبارت تداومی در زبان فارسی می‌پردازیم و با ذکر مثال‌هایی نشان می‌دهیم که افزودن عبارت تداومی به جمله حاوی محمول حصولی یا غایتمند چگونه می‌تواند خوانش نمودی جمله را دستخوش تغییر سازد.

۴-۱. محمول‌های حصولی

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، براساس تراویس (2010, p. 10) محمول‌های حصولی دارای مشخصه [- فرایند] و [+ معین] هستند. برخورداری از مشخصه [- فرایند] به این معناست که این محمول‌ها ذاتاً غیرفرایندی و در نتیجه، غیرتداومی‌اند. اما افزودن عبارت تداومی باعث تبدیل محمول حصولی به محمول فرایندی و تداومی می‌گردد و در نتیجه خوانش نمودی آن را دستخوش تغییر می‌سازد. از آنجایی که کرافت (2012, p.43) افعال حصولی را در سه گروه تکرارشدنی^۱، تکرارنشده^۲ و چرخه‌ای^۳ طبقه‌بندی کرده است، در این بخش خوانش نمودی این سه نوع محمول حصولی را در کنار عبارت تداومی بررسی خواهیم کرد. برای مثال، دو جمله زیر را در نظر بگیرید:

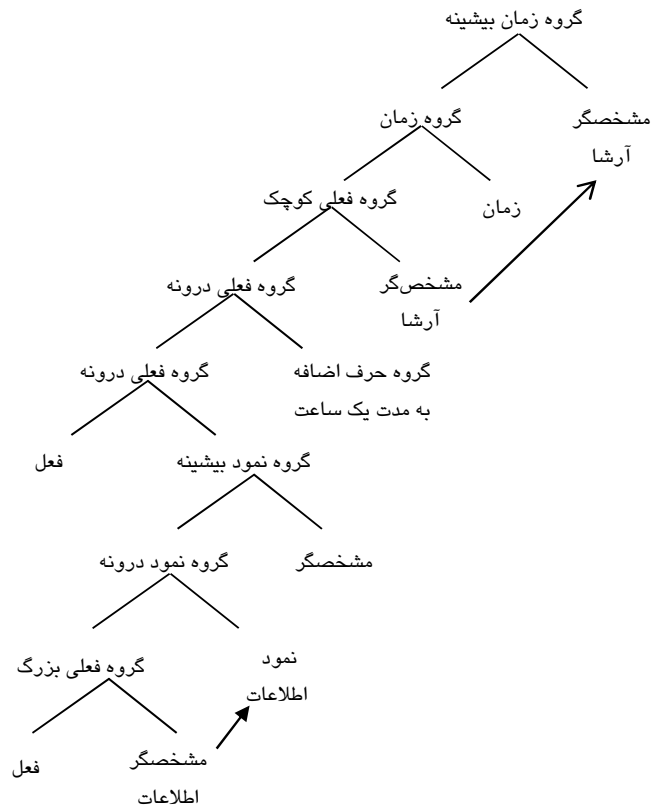
۹ الف- آرشا از آرمین اطلاعات گرفت.

ب- آرشا به مدت یک ساعت اطلاعات گرفت.

«گرفتن» محمولی حصولی تکرارشدنی و نهایت‌پذیر است که در جمله اول به علت اینکه در کنار موضوع درونی اسم شمارش‌ناپذیر^۴ قرار گرفته است دارای خوانشی نهایت‌ناپذیر است. علت این مسئله تأثیر ماهیت موضوع درونی بر اثر انطباق مفعول با رویداد^۵ است. در این فرایند نحوی که براساس مک‌دونالد (2008, p.4) یکی از ویژگی‌های مهم نمود واژگانی به شمار می‌رود، گروه اسمی واقع در جایگاه موضوع درونی بر حسب دارا بودن یا نبودن ویژگی کمیت، بر خوانش نمودی محمول اثر می‌گذارد. در جمله ب «گرفتن» با عبارت تداومی «به مدت یک ساعت» همراه شده است، موضوع درونی فعل در این مثال نیز از نوع اسم شمارش‌ناپذیر (اطلاعات) است و محمول در حضور این موضوع درونی دارای خوانش نهایت‌ناپذیر است. از

آنجا که رویدادهای نهایت‌ناپذیر دارای نقطه پایان مشخص نیستند و به‌طور بالقوه می‌توانند برای مدت زمانی نامشخص ادامه داشته باشند، افزودن عبارت تداومی به این رویدادها به خوانش رویدادهای چندگانه منجر نمی‌شود. خوانش رویداد چندگانه که آن را تکریری نیز می‌نامند، به این معناست که یک رویداد مشابه در یک بازه زمانی مشخص چندین بار تکرار می‌شود (MacDonald, 2006, p.39; 2008, pp.45-47). اما اگر محمول نهایت‌ناپذیر باشد و با عبارت تداومی همراه گردد، آنگاه رویداد بیان‌شده توسط آن محمول در طول زمان مشخص‌شده توسط آن عبارت تداومی ادامه خواهد داشت اما به نقطه پایان نمی‌رسد و همچنان ادامه‌دار خواهد بود. در نتیجه، تکرار صورت نخواهد پذیرفت، یعنی خوانش تکریری به دست نمی‌آید و خوانش تکرریدی داریم. بر این اساس، در مثال (ب) بالا، فرایند گرفتن اطلاعات به مدت یک ساعت ادامه پیدا می‌کند بدون آنکه تکرار صورت بپذیرد.

اگر ما به پیروی از مک‌دونالد (2008, p.37) و آلسینا (1999, p.99)، جایگاه گروه نمود (AspP) را بین گروه فعلی کوچک (vP) و گروه فعلی بزرگ (VP) در نظر بگیریم و جایگاه عبارت تداومی را در گروه فعلی کوچک بدانیم، ساختار مثال ۹-ب به صورت زیر خواهد بود. در نمودار درختی زیر اسم شمارش‌ناپذیر به منظور تشکیل دامنه خوانش نمودی از جایگاه مشخص‌گر گروه فعلی بزرگ به هسته گروه نمودی حرکت کرده و فاعل که در جایگاه مشخص‌گر گروه فعلی کوچک است، به جایگاه مشخص‌گر گروه زمان بیشینه حرکت کرده است. این حرکت‌ها از جایگاهی به جایگاه دیگر با علامت پیکان در نمودار نشان داده شده‌اند.



شکل ۲. خوانش نمودی در مثال ۹-ب

Figure 2
Aspectual Interpretation in 9b Example

فعل‌هایی مانند «بستن»، «گرفتن» و «خوشحال شدن» از نوع حصولی تکرارشدنی هستند، اما «پژمرده شدن» و «منفجر شدن» به ترتیب، حصولی تکرارنشده‌ی اضمحالی و حصولی تکرارنشده‌ی تخریبی به حساب می‌آیند. براساس تعریف دانش‌پژوه (۱۳۹۲، ص. ۶۹۰)، تفاوت

حصولی تکرارنشده‌ی اضمحلالی و حصولی تکرارنشده‌ی تخریبی در این است که در حصولی تکرارنشده‌ی اضمحلالی موضوعات درونی یا عناصری که در جریان رویداد در معرض تغییر قرار می‌گیرند از ویژگی جاننداری برخوردارند، اما در حصولی تکرارنشده‌ی تخریبی موضوعات درونی یا عناصری که در جریان رویداد در معرض تغییر قرار می‌گیرند از ویژگی جاننداری برخوردار نیستند.

در زیر مثال‌هایی از این نوع محمول‌های حصولی از نظر خوانش نمودی بررسی می‌شوند.

۱۰ الف- نگهبان در باغ را بست.

ب- نگهبان در باغ را (به مدت) دو ساعت بست.

۱۱ الف- مریم خوشحال شد.

ب- مریم برای دو ساعت خوشحال شد.

در مثال ۱۰-الف و ۱۱-الف عمل «بستن» و «خوشحال شدن» به صورت لحظه‌ای و آنی و بدون هیچ فرایندی رخ داده است و نهایت‌پذیرند. در مثال‌های ۱۰-ب و ۱۱-ب، عبارت تداومی نشان‌دهنده طول زمان رویداد است؛ یعنی بسته بودن در و خوشحال بودن مریم دو ساعت ادامه داشته است و بعد از طی این مدت پایان یافته است، که خوانشی نهایت‌پذیر است. دوتی^۶ (1979) این نوع از خوانش را خوانش «پایان زمان»^۷ می‌نامد که اشاره به مدت زمان قبل از پایان رویداد دارد.

۱۲ الف- گل‌ها پژمرده شده‌اند.

ب- گل‌ها دو روز است که پژمرده شده‌اند.

در مثال ۱۲-الف، خوانش نهایت‌پذیر داریم که در آن رویداد «پژمرده شدن» با گذشت زمان رخ داده است. در مثال ۱۲-ب، عبارت تداومی نقطه آغاز رویداد را نشان می‌دهد، اما نقطه پایان آن نامعلوم است و با خوانش نهایت‌ناپذیر تکرار رویدادی مواجه هستیم.

۱۳ الف- بمب منفجر شد.

ب- * بمب به مدت دو دقیقه منفجر شد.

۱۴ الف- بچه خفه شد.

ب- * بچه برای دو دقیقه خفه شد.

در مثال‌های ۱۳-الف و ۱۴-الف رویداد «منفجر شدن» به صورت لحظه‌ای و آنی و بدون هیچ فرایندی رخ داده است و فقدان عبارت تداومی در این جملات با خوانش لحظه‌ای از آن‌ها سازگار است. در مثال‌های ۱۳-ب و ۱۴-ب از آنجایی که رویدادهای «منفجر شدن» و «خفه شدن» ماهیتاً نمی‌توانند تداومی باشند (بلکه آنی هستند) و همچنین از آنجایی که «منفجر شدن» یک بمب و «خفه شدن» یک بچه نمی‌توانند به صورت مکرر رخ دهند، لذا جملات به لحاظ دستوری و معنایی پذیرفتنی نیستند. نکته مهم اینجاست که غیردستوری بودن این جملات ارتباطی به نهایت‌پذیر بودن محمول حصولی ندارد بلکه ناشی از ماهیت فعل موجود در آن‌هاست.

در زبان فارسی محمول‌های حصولی چرخه‌ای مانند «سرفه کردن» و «جیغ زدن» هم با عبارت تداومی سازگاری دارند. مثال‌های زیر را در نظر بگیرید.

(۱۵) الف- آرشا سرفه کرد.

ب- آرشا ده دقیقه سرفه کرد.

(۱۶) الف- آرشا جیغ زد.

ب- آرشا ده دقیقه جیغ زد.

در مثال‌های ۱۵-الف و ۱۶-الف رویداد به صورت آنی و بدون فرایند رخ داده است و دارای خوانشی نهایت‌پذیر است. در مثال‌های ۱۵-ب و ۱۶-ب عبارت تداومی نشان‌دهنده طول زمان رویداد است؛ یعنی سرفه کردن و جیغ زدن آرشا به مدت ده دقیقه ادامه داشته است و سپس پایان یافته است. این محمول‌ها نیز مانند محمول‌های حصولی تکرارشدنی دارای خوانش نهایت‌پذیر «پایان زمان» هستند.

براساس مثال‌های بررسی شده از محمول‌های حصولی می‌توان به این نتیجه دست یافت که در مورد محمول‌های حصولی مانند «گرفتن»، «بستن» و «پژمرده شدن» که حاصل آن‌ها یک وضعیت ایستا است (یعنی بسته بودن و پژمرده بودن)، افزودن عبارت تداومی بسته به نوع محمول حصولی و یا تحت تأثیر ماهیت موضوع درونی می‌تواند به خوانش‌های متفاوتی منجر شود. افزودن عبارت تداومی به محمول حصولی تکرارشدنی (مانند خوشحال شدن، عصبانی شدن) و محمول حصولی چرخه‌ای (مانند سرفه کردن) خوانش «پایان زمان» و به محمول حصولی تکرارشدنی اضمحلالی (مانند پژمرده شدن)، خوانش «نهایت‌ناپذیر تکرارشدنی» به

دست می‌دهد. محمول‌های حصولی تکرارنشده تخریبی (مانند تخریب شدن، منفجر شدن) و برخی از محمول‌های حصولی تکرارنشده اضمحلالی (مانند خفه شدن) به لحاظ ماهیت عمل، نمی‌توانند با عبارت تداومی سازگار باشند.

۲-۴. محمول‌های غایتمند

پیش‌تر گفته شد که محمول‌های غایتمند از لحاظ مشخصه نمودی [+ فرایند] و [+ معین] هستند. اکنون به بررسی تأثیر عبارت تداومی بر خوانش نمودی این نوع محمول‌ها در زبان فارسی می‌پردازیم. در مثال‌های الف و ب زیر به ترتیب محمول غایتمند «خوردن» را همراه با قید ظرف زمان و عبارت تداومی مشاهده می‌کنیم.

۱۷) الف- مریم یک ساندویچ را در عرض پنج دقیقه (یا پنج دقیقه‌ای) خورد. (قید ظرف زمان)

ب- * مریم یک ساندویچ را به مدت یک ساعت خورد. (عبارت تداومی)

از آنجا که در این مثال‌ها مفعول از نوع اسم کمیت‌دار است (یک ساندویچ)، محمول دارای خوانش نهایت‌پذیر است و در نتیجه، افزودن عبارت تداومی به جمله باعث خوانش تکریری می‌شود (مثال ب)؛ خوانش تکریری مستلزم تکرار زیررودادها است، یعنی یک مفعول واحد باید چند بار پیاپی عمل بیان‌شده توسط فعل را بپذیرد. در جمله موردنظر، یعنی همان یک ساندویچ باید به مدت یک ساعت چند بار خورده شود. از آنجا که این رویداد عملاً غیرممکن است و نمی‌توان یک ساندویچ واحد را بیش از یک بار خورد، جمله غیردستوری یا حداقل ناپذیرفتنی به نظر می‌رسد که این موضوع با قرار دادن علامت ستاره (*) در ابتدای جمله مشخص شده است. غیردستوری بودن این جمله به این دلیل نیست که عبارت تداومی نمی‌تواند با محمول‌های نهایت‌پذیر همراه شود، بلکه به دلیل ماهیت عمل «خوردن» است که نمی‌تواند روی یک مفعول واحد بیش از یک بار انجام شود؛ در حالی که عملی مانند «شستن» در مثال‌های زیر، می‌تواند روی یک مفعول واحد (یعنی بشقاب) بارها تکرار شود.

۱۸) الف- مریم یک ساعت یک بشقاب را شست. (نهایت‌پذیر)

ب- مریم یک ساعت بشقاب را شست. (نهایت‌پذیر)

ج- مریم یک ساعت بشقاب شست. (نهایت‌ناپذیر)

د- مریم یک ساعت بشقاب‌ها را شست. (نهایت‌پذیر)

در مثال ۱۸-الف، مریم عمل شستن یک بشقاب واحد را در طول یک ساعت بارها تکرار کرده است. در این مثال، مفعول از نوع اسم کمیت‌دار مفرد است (یک بشقاب) و طبق گفته مکدونالد (2008, p.41)، افزودن عبارت تداومی باعث خوانش تکریری می‌شود. در مثال ۱۸-ب، با اینکه مفعول فاقد کمیت مشخص است (بشقاب) اما از آنجا که نظر گوینده معرفه و مشخص است، به یک بشقاب خاص دلالت دارد و در نتیجه افزودن عبارت تداومی همانند مثال الف به پیدایش خوانش تکریری منجر می‌شود. مکدونالد (2008, p.41) خوانش جملات الف و ب را توالی رویدادهای یکسان می‌نامد که در آن زیررویدادها (در اینجا عمل شستشو) به کرات روی یک مفعول واحد انجام می‌شوند. در جمله ۱۸-ج مفعول فاقد کمیت مشخص است (بشقاب) و به علت تأثیر ماهیت موضوع درونی بر روی محمول نمودی، محمول «شستن» در این مثال نهایت‌ناپذیر خواهد بود که با افزودن عبارت تداومی «یک ساعت» خوانش تکرریدادی حاصل می‌شود که به لحاظ زبانی هیچ نقطه پایانی برای آن رمزگذاری نشده است و بدون وقفه در طول مدت زمان تعیین‌شده بدون پایان و بدون تکرار ادامه می‌یابد. در مثال ۱۸-د مفعول از نوع جمع عریان است (بشقاب‌ها) و خوانشی که حاصل می‌شود خوانش توالی رویدادهای مشابه است، زیرا عمل شستن نه روی یک بشقاب، بلکه روی بشقاب‌های متفاوت انجام می‌شود. مثال‌های ۱۸-الف تا ۱۸-د نشان می‌دهند که خوانش محمول غایتمند در حضور عبارت تداومی بستگی به نوع مفعول آن دارد. به طوری که اگر مفعول اسم کمیت‌دار یا معرفه باشد خوانش توالی رویدادهای یکسان حاصل می‌شود، اما اگر مفعول جمع عریان باشد خوانش توالی رویدادهای مشابه داریم که هر دو خوانش‌های نهایت‌پذیرند. اما گفتنی است که علاوه بر نوع مفعول (از نظر کمیت‌دار، معرفه، جمع بودن)، ماهیت خود رویداد نیز بر خوانش نمودی محمول تأثیر می‌گذارد.

پس تا اینجا دریافتیم که خوانش نمودی محمول‌های غایتمند در حضور عبارت تداومی نه تنها به نوع مفعول بستگی دارد بلکه به ماهیت خود رویداد نیز بستگی دارد که آیا تکرارپذیر است یا تکرارناپذیر. در مثال‌های بالا، تأثیر نوع مفعول بر خوانش نمودی محمول را به کمک فعل «شستن» و تأثیر ماهیت فعل محمول بر خوانش نمودی آن را به کمک فعل «خوردن» نشان دادیم. حال با مثال‌های زیر خوانش نمودی محمول‌های غایتمند با مفعول فاقد کمیت درکنار

عبارت تداومی را بررسی می‌کنیم.

(۱۹) آرشا یک ماه خانه ساخت.

(۲۰) مریم یک ساعت غذا پخت.

در جملات ۱۹ و ۲۰ مفعول‌ها فاقد کمیت مشخص هستند (خانه و غذا) و به علت تأثیر ماهیت موضوعات درونی بر روی محمول‌های نمودی، محمول‌های «ساختن» و «پختن» در این مثال‌ها نهایت‌ناپذیر خواهد بود که با افزودن عبارتهای تداومی «یک ماه» و «یک ساعت» خوانش تکرویدادی حاصل می‌شود که به لحاظ زبانی هیچ نقطه پایانی برای آن رمزگذاری نشده است و بدون وقفه در طول مدت زمان تعیین‌شده بدون پایان و بدون تکرار ادامه دارد. این مثال‌ها همسو با دیدگاه مک‌دونالد است که وقتی محمول نهایت‌ناپذیر در جمله داشته باشیم، عبارت تداومی با خوانش تکرویدادی سازگار است.

حال، محمول غایتمند «خوردن» را با مفعول فاقد کمیت در کنار عبارت تداومی بررسی می‌کنیم:

(۲۱) آرشا یک ساعت شکلات خورد.

در این مدت یک ساعت چه اتفاقی می‌افتد؟ اتفاقی که می‌افتد این است که آرشا یک شکلات را می‌خورد، سپس شکلات بعدی، سپس شکلات بعدی و به همین ترتیب این رویداد شکلات خوردن ادامه پیدا می‌کند تا مدت زمان یک ساعت به پایان برسد. خوردن هر دانه شکلات یک زیررویداد برای کل رویداد خوردن شکلات به حساب می‌آید. بنابراین، حضور عبارت تداومی باعث می‌شود که زیررویدادها به دفعات تکرار شوند تا مدت زمان موردنظر به پایان برسد. پس در اینجا برخلاف مثال‌های قبلی با خوانش تکریری مواجه هستیم. این واقعیت برخلاف نظر مک‌دونالد (2008) است. وی از یک طرف اشاره می‌کند که نوع موضوع درونی از لحاظ کمیت‌دار بودن یا نبودن بر خوانش نمودی فعل تأثیر می‌گذارد و آن را تغییر می‌دهد به گونه‌ای که فعلی مانند «خوردن» که به خودی خود نهایت‌ناپذیر است وقتی با مفعول فاقد کمیت (مانند شکلات در مثال بالا) همراه شود خوانش آن به نهایت‌ناپذیر تغییر می‌کند (2008, p.80). از طرف دیگر، مک‌دونالد بر این باور است که وقتی محمول نهایت‌ناپذیر در جمله داشته باشیم، عبارت تداومی با خوانش تکرویدادی سازگار است (2008, p.32, 36). این در حالی است که ما در توضیح مثال ۲۱ نشان دادیم که فعل «خوردن» همراه با مفعول فاقد کمیت می‌تواند در حضور

عبارت تداومی خوانش رویدادهای چندگانه (تکریری) داشته باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که تعمیم مکدونالد در مورد تأثیر موضوع درونی افعال بر خوانش نمودی آن‌ها دارای استثنائات یا موارد نقضی نیز هست.

مکدونالد (2008, p. 36) اشاره می‌کند که عبارت تداومی در کنار محمول‌های نهایت‌پذیر حصولی و غایتمند با خوانش تکرر ویدادی ناسازگار است. منظور وی این است که حضور عبارت تداومی باعث می‌شود که یک رویداد تکرار شود، خواه روی یک مفعول واحد باشد و خواه روی مفعول‌های متفاوت. این نتیجه‌گیری در مورد محمول‌های غایتمند زبان فارسی نیز صدق می‌کند و ما آن را به کمک مثال‌های ۱۷، ۸ و ۲۱ نشان دادیم. بنابراین، می‌توان گفت که عبارت تداومی کل رویداد بیان‌شده توسط محمول را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بسته به نهایت‌پذیر یا نهایت‌ناپذیر بودن محمول، خوانش‌های متفاوتی را در پی دارد. به همین دلیل است که می‌توان گفت عبارت تداومی با همه انواع محمول‌ها سازگاری دارند (MacDonald, 2008, p. 35).

چنان که ورکویل (2000, p.170) اشاره می‌کند، عبارت تداومی مانند *for an hour* اگر به جمله *Judith ate a sandwich* افزوده شود، خوانش تکرر ویدادی این جمله را غیرممکن می‌سازد و خوانش تکریری به آن می‌بخشد. مکدونالد (2008, p.33) از این مطلب نتیجه می‌گیرد که عبارت تداومی با خوانش تکرر ویدادی محمول‌های نهایت‌پذیر ناسازگار و با خوانش تکرر ویدادی محمول‌های نهایت‌ناپذیر سازگار است. اما نکته کلیدی اینجا است که نهایت‌پذیر یا نهایت‌ناپذیر بودن یک محمول صرفاً توسط خود محمول تعیین نمی‌شود، بلکه به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که ماهیت مفعول یکی از مهم‌ترین آن‌هاست.

محمول‌های غایتمند حرف اضافه‌ای نوع خاصی از محمول‌های غایتمند هستند که در حضور گروه تداومی برحسب نوع موضوع درونی، خوانش معنایی نهایت‌پذیر دارند. مثال‌های زیر را در نظر بگیرید.

۲۲- الف- کارگرها دو ساعت وسایل را داخل خانه آوردند. (اسم جمع)

ب- کارگرها نیم ساعت یک یخچال را داخل خانه آوردند. (اسم کمیت‌دار)

در مثال ۲۲-الف، عمل «آوردن» در مدت زمان دو ساعت تکرار می‌شود و به علت اینکه «وسایل» اسم جمع است، این عمل نه روی یک مفعول واحد (مثلاً یک صندلی) بلکه روی

مفعول‌های مختلف و متعدد انجام می‌شود. بنابراین، در مثال الف رویدادی که توسط فعل بیان می‌شود دارای زیررویدادهای متعدد است و این زیررویدادها روی مفعول‌های متفاوت تکرار می‌شوند. خوانشی که در این مثال وجود دارد، خوانش توالی رویدادهای مشابه است. اما در مثال ۲۲-ب، عمل «آوردن» در مدت نیم‌ساعت روی فقط یک مفعول واحد (یخچال) انجام می‌شود. در اینجا زیررویداد نداریم و کل فرایند در قالب یک رویداد انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، این گونه نیست که یک یخچال چند بار به داخل خانه آورده شود بلکه فقط یک بار آورده می‌شود. بنابراین، در اینجا نمی‌توان خوانش توالی رویدادهای یکسان داشت. خوانشی که از این مثال دوم، یعنی ۲۲-ب، برداشت می‌شود برخلاف دیدگاه مکدونالد (2008) است که این گونه جملات را در انگلیسی دارای خوانش تکریری می‌داند، مانند:

(23) The farmer dragged a log into the barn for an hour.

به عقیده مکدونالد (2008, p.41)، این جمله بیانگر آن است که کشاورز یک کنده درخت را در مدت زمان یک ساعت چندین بار داخل انبار/طویله می‌برد. وی براساس این تفسیر، جمله یادشده را دارای خوانش توالی رویدادهای یکسان می‌داند. معادل همین جمله در زبان فارسی دارای خوانشی نهایت‌پذیر و بدون تکرار است:

(۲۴) کشاورز یک ساعت یک کنده را داخل انبار کشید.

معنای این جمله این است که کشاورز یک کنده را در مدت زمان یک ساعت با انجام عمل کشیدن به داخل انبار می‌آورد، خواه این عمل کشیدن پیوسته باشد و خواه منقطع.

۵. نتیجه

در این پژوهش براساس رویکرد مکدونالد (2008) به بررسی خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند زبان فارسی در حضور عبارت تداومی پرداخته شد. با بررسی خوانش نمودی انواع محمول‌های حصولی مشخص شد که افزودن عبارت تداومی، بسته به نوع محمول و یا تحت تأثیر ماهیت موضوع درونی، می‌تواند به خوانش‌های متفاوتی منجر شود. افزودن عبارت تداومی به محمول‌های حصولی تکرارشدنی و چرخه‌ای به خوانش «پایان زمان» منجر می‌شود، در حالی که محمول‌های حصولی تکرارنشده‌ی اضمحلالی در کنار عبارت تداومی

خوانش نهایت‌ناپذیر تکرر ویدادی به دست می‌دهند. همچنین مشخص شد که محمول‌های حصولی تکرارنشده تخریبی و برخی از محمول‌های حصولی تکرارنشده اضمحلالی (مانند خفه شدن) به دلیل اینکه ماهیت رویداد بیان‌شده در آن‌ها آنی و لحظه‌ای است، نمی‌توانند با عبارت تداومی همراه شوند. بررسی تأثیر حضور عبارت تداومی بر خوانش نمودی محمول‌های غایتمند نیز نشان داد که خوانش نمودی این محمول‌ها هم مانند محمول‌های حصولی در حضور عبارت تداومی نه تنها به نوع مفعول (از لحاظ کمیت‌دار بودن یا نبودن) بستگی دارد، بلکه به ماهیت خود رویداد نیز بستگی دارد که آیا تکرارپذیر است یا تکرارناپذیر. اگر مفعول اسم کمیت‌دار یا معرفه باشد خوانش توالی رویدادهای یکسان به دست می‌آید، اما اگر مفعول جمع عریان باشد خوانش توالی رویدادهای مشابه حاصل می‌شود که هر دوی آن‌ها خوانش‌هایی نهایت‌پذیرند. علاوه بر این، مشخص شد که محمول‌های غایتمند حرف‌اضافه‌ای در حضور عبارت تداومی در کنار اسم جمع دارای خوانش تکریری توالی رویدادهای مشابه و در کنار اسم کمیت‌دار مفرد دارای خوانشی نهایت‌پذیر و بدون تکرار هستند. نتیجه‌گیری به دست آمده در مورد تأثیر موضوع درونی بر خوانش نمودی محمول‌های غایتمند در مواردی (مانند مثال‌های ۲۱ و ۲۲) برخلاف نظر مک‌دونالد (۲۰۰۸) است و به نظر می‌رسد که تعمیم مک‌دونالد در مورد خوانش نمودی این محمول‌ها دارای استثنائات یا موارد نقضی نیز هست.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که فرضیه پژوهش مبتنی بر اینکه که عبارت تداومی با هر دو نوع محمول نهایت‌پذیر حصولی و غایتمند سازگار است، درست بوده است و حضور عبارت تداومی بر خوانش نمودی هر دو محمول حصولی و غایتمند در زبان فارسی تأثیر دارد و این موضوع به نوع موضوع درونی و ماهیت این محمول‌ها نیز بستگی دارد. در پژوهش‌های آتی می‌توان خوانش نمودی محمول‌های حصولی و غایتمند و دیگر انواع محمول‌های نمودی را در زبان‌ها و گویش‌های مختلف ایرانی بررسی نمود و نتایج آن را با نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه مورد مقایسه قرار داد. همچنین بررسی خوانش نمودی افعال مرکب مشتق از اسم و صفت در کنار عبارت تداومی می‌تواند موضوعی درخور برای پژوهش‌های آتی باشد.

۶. پی‌نوشت‌ها

- | | | |
|-----------------------------------|-------------------------|-------------------------------|
| 1. aspect | 21. W.R. Liao | 41. cumulative |
| 2. grammatical aspect | 22. numeral-classifier | 42. prepositional- |
| 3. lexical aspect | 23. J. Grimshaw | accomplishment |
| 4. state | 24. S. Shiwanda | 43. psycho-achievement |
| 5. activity | 25. neuter-passive | 44. sequence of identical |
| 6. achievement | 26. Oshindonga | events |
| 7. accomplishment | 27. time frame phrase | 45. multiple events |
| 8. atelic | 28. B. Comrie | interpretation |
| 9. telic | 29. K. Kiss | 46. bare plural |
| ۱۰. دربارهٔ این طبقه‌بندی، تفاوت | 30. C. Smith | 47. sequence of similar event |
| انواع فعل‌ها از لحاظ نمود واژگانی | 31. situation aspect | |
| و نیز بحث نهایت‌پذیری و | 32. view aspect | 48. single event |
| نهایت‌ناپذیری در بخش سوم مقاله | 33. inner aspect | interpretation |
| توضیحات لازم ارائه خواهد شد | 34. Semelfactive aspect | 49. transitive activity |
| | 35. L. Travis | 50. intransitive activity |
| 11. durative phrase | 36. H. Verkuyl | 51. reversible achievement |
| 12. minimalist | 37. \pm process | 52. irreversible achievement |
| 13. W. Croft | 38. \pm definite | 53. cyclic achievement |
| 14. A. Alsina | 39. in X time | 54. mass noun |
| 15. G. Ramchand | 40. for X time | 55. object to event mapping |
| 16. B. Borer | | 56. D. Dowty |
| 17. E. Thompson | | 57. end-time |
| 18. K. Megerdooian | | |
| 19. time span adverbial | | |
| 20. J. Lin | | |

۷. منابع

- ابوالحسنی چیمه، ز. (۱۳۹۰). انواع نمود واژگانی در افعال فارسی. *مجلهٔ ادب فارسی*، ۱ (۶)، ۱۰۱-۱۲۰.
- برزگر، ح. و کریمی‌دوستان، غ. (۱۳۹۶). نمود واژگانی در افعال مرکب مشتق از صفت در زبان فارسی. *پژوهش‌های زبانی*، ۱ (۱)، ۴۱-۵۷.
- برزگر، ح.، میردهقان، م. و کریمی‌دوستان، غ. (۱۴۰۰). نمود واژگانی در افعال مرکب مشتق

- از اسم در زبان فارسی. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۱۴ (۵)، ۱۶۷-۱۹۴.
- دانش‌پژوه، ف. (۱۳۹۲). ماهیت نمود واژگانی فعل و رابطه آن با تکواژ ستاکساز غیرمعلوم ۲a- در کردی سورانی. *زیان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۱ (۱)، ۵۳-۸۰.
- چراغی، ز. و کریمی‌دوستان، غ. (۱۳۹۲). طبقه‌بندی افعال زبان فارسی بر اساس ساخت رویدادی و نمودی. *پژوهش‌های زبانی*، ۴ (۲)، ۴۱-۶۰.
- صفا، پ. و فلاحی، م. (۱۳۹۵). کاربرد فعل «شدن» در بیان نمود لحظه‌ای-تدامی در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*، ۷ (۷)، ۱۹۷-۲۱۳.
- گلفام، ا. (۱۳۸۵). *اصول دستور زبان*. تهران: سمت.
- لطفی، ی.، کریمی‌دوستان، غ. و گوهری، ح. (۱۴۰۰). نمود واژگانی در گویش لکی. *جستارهای زبانی*، ۱۲ (۴)، ۳۰۵-۳۴۴.

References

- Abolhassani Chimeh, Z. (2011). "Types of lexical aspect in Persian verbs". *Persian Literature Journal*, 1(6). 101-120. [In Persian]
- Alsina, A. (1999). On the representation of event structure. In T. Mohanan & L. Wee (Eds.), *In grammatical semantics: Evidence for structure in meaning* (pp. 77-122). CSLI Publications.
- Bazegar, H. & Karimi Dostan, Gh. (2017). "Lexical aspect in Persian deadjectival complex predicates". *Language Researchers*, 8(1), 41-57. [In Persian]
- Bazegar, H. MirDehghan, M. & Karimi Dostan, Gh. (2021). "Lexical aspect in Persian denominal complex predicates". *Linguistics and Khorasan Dialects*, 14(5), 167-194 [In Persian].
- Borer, B. (2005). *Structuring sense II: The normal course of events*. Oxford University Press.
- Cheraghi, Z. & Karimi Dostan, Gh. (2013). "The classification of Persian verbs based on eventual and aspectual structure". *Language Researchers*, 4(2), 41-60 [In Persian].

- Čok, T. (2020). Lexical aspect classification for unrelated languages: a case study on Slovenian and Chinese lexical aspect. *Acta Linguistica Asiatica*, 10(2), 49–64.
- Comrie, B. (1976). *Aspect: An introduction to the study of verbal aspect and related problems*. Cambridge University Press.
- Croft, W. (2012). *Verbs: aspect and casual structure*. Oxford university press.
- Daneshpajoh, F. (2013). “The nature of verbal lexical aspect and its relation to-ra-re non active morpheme in Sorani Kurdish”. *Linguistics and Khorasan Dialects*, (1), 53–80 [In Persian].
- Dowty, D. R. (1979). *Word meaning and montague grammar*. Reidel.
- Golfam, A. (2006). *Principle of grammar*. SAMT [In Persian].
- Grimshaw, J. (2000). Locality and extended projection. In Peter Coopmans (Ed), *Lexical Specification and Insertion* (pp.115–133). John Benjamins.
- Kiss, K. E. (2008). Aims and background. In: K.E. Kiss (Ed.), *Event structure and the left periphery: Studies on Hungarian* (pp. 1–15). Springer.
- Liao, W.R. (2014). Process-related durative phrases as numeral-classifier phrases in Chinese. *Taiwan Journal of Linguistics*, 12(2), 59–80.
- Lin, J. (2008). Event decomposition and the syntax and semantics of Chinese durative phrases. In J. Dolling & T. Heyde-Zybatow (Eds.), *Event structures in Linguistic form and interpretation series: Language, context, and cognition*, (pp.31–54). Walter de Gruyter.
- Lotfi, Y. Karimi Dostan, Gh. & Gowhari, H. (2021). “Lexical Aspect in Lake Dialect”. *Language Inquiry*, 12(4), 305–344 [In Persian].
- MacDonald, J. E. (2006). *The syntax of inner aspect*. Doctoral Dissertation in linguistic. University of Stony Brook.
- MacDonald, J. E. (2008). *The Syntactic nature of inner aspect: A minimalist perspective*. Benjamins.

- Megerdooian, K. (2001). Event structure and complex predicates in Persian. *Canadian Journal of Linguistics/Revue Canadienne de Linguistique*, 46 (1/2), 97–125.
- Ramchand, G. (2003). *First phase syntax*. Ms. Thesis. University of Oxford.
- Safa, P. & Fallahi, M. (2016). “The use of “Shodan” verb in telic aspect in Persian language”. *Language Inquiry*, 7(7). 197–213[In Persian].
- Shiwanda, S. (2018). *Active, passive and neuter-passive verb constructions in Oshindonga: Argument alternation and event structure properties*. Master Thesis, Stellenbosch University.
- Smith, C. (1991). *The parameter of aspect*. Kluwer.
- Thompson, E. (2006). The structure of bounded events. *Linguistic Inquiry*, 37(2), 211–228.
- Travis, L. (2010). *Inner aspect and the structure of VP*. Springer.
- Vendler, Z. (1967). *Linguistics in philosophy*. Cornell University Press.
- Verkuyl, H. (1989). Aspectual classes and aspectual composition. *Linguistics and Philosophy*, 12, 39–94.
- Verkuyl, H. (2000). Events as individuals: an aspectual composition and event semantics. In J. Higginbotham, F. Pianesi & A.C. Varzi (Eds.), In *Speaking of events*, (pp.169–206). Oxford University Press.